

دو شعر از
محمد حسین مدل

۱

در خانه جز خانه
نیست و
خانه
از دارِ خودش رفته
چنان بالا که
دیوارهایش را از
یاد برده است

۲

تنهایی را
وقتی میان جمع نشستم
دیدم
تنهایی را وقتی دیدم
دیدم جمعی بیگانه سرنوشت ام را
طی می‌کنند با دست‌هایشان و
گریه می‌کنند و
فهمیدم که مرده‌ام